



نگرشی فقهی بر سیاست جنائی حقوق موضوعه ایران در قبال بزه اهانت به مقدّسات اسلام

محمد خورشیدی اطهر

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

چکیده

قداست ستیزی در برابر آنچه که مطابق آموزه‌های اسلامی از ضروریات قطعی دین محسوب می‌گردد، واکنش شدید کیفری مقنن را نسبت به خود برانگیخته است. اهمیت حفظ و صیانت از مقدّسات اسلامی به گونه‌ای است که اعدام، حبس و شلاق تعزیری، مجازات‌هایی هستند که قانون‌گذار ایران حسب رفتار موهن علیه مقدّسات اسلام وضع نموده که مبین سیاست جنائی افتراقی نظام تقنینی ایران در این باره است. فقه امامیه هم به عنوان مهم‌ترین منبع قانون‌گذاری با انشاء قاعده تحریم هر نوع اهانت به مقدّسات اسلام و جعل احکام خاصّ مربوط به آن، اهتمام جدی به صیانت از مسائل مقدّس و ضروری دین روا داشته است. مقارنه و تطبیق حقوق جزای اسلام با قوانین کیفری ماهوی ایران در خصوص بزه توهین به مقدّسات اسلام، موضوعی است که این پژوهش توصیفی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای عهده‌دار آن است تا تمایز سیاست جنائی حقوق موضوعه ایران را در این قبیل جرایم معطوف به مبانی غنی فقهی به اثبات رساند. تعیین مجازات تعزیری شلاق در فرض ارتکاب سبّ در حالت مستی یا نقل آن از دیگری به موجب تبصره ماده (۲۶۳) از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر خلاف مقررات حقوق جزای عمومی با وجود خدشه بر عنصر معنوی احراز جرم به وضوح مبین جایگاه والای مقدّسات در دیدگاه اسلام است.

واژگان کلیدی: مقدّسات اسلام، توهین، فقه، سیاست جنائی، قانون مجازات اسلامی



مقدمه

اصطلاح "سیاست جنائی" به مجموعه روش‌های سرکوب‌گرانه‌ای تعریف گردیده است که حکومت‌ها با توسل به آن، علیه جرم واکنش نشان می‌دهند (لازرز، ۱۳۸۹)؛ این تعریف بر خلاف برداشت موسع از سیاست جنائی به نحو مضیق فقط بر واکنش‌های کیفری در مورد جرایم اشاره دارد. از این رو، در مفهوم مضیق از سیاست جنائی که در این نگارش مورد استفاده قرار گرفته به تدابیر مجازات‌گرایانه حکومت از طریق اعمال قوه قضائیه انحصار دارد. حمایت‌های قانونی که نظام تقنینی ایران نسبت به اهانت به مقدّسات اسلام جامعه عمل پوشانده، موضوعی است که این پژوهش توصیفی و تحلیلی با به کار بردن شیوه مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای عهده‌دار آن است تا با رویکرد فقهی به قوانین و مقررات حامی مقدّسات اسلامی و هماهنگی آن با متون فقهی پرداخته شود. صرف نظر از اینکه تا کنون پژوهشی با عنوان این مقاله در ارتباط با بزه اهانت به مقدّسات اسلام تدوین نگشته، عنصری که این نگارش را از دیگر پژوهش‌های راجع به این جرم متمایز می‌کند، رویکرد فقهی بر این مسئله و مطمح نظر قرار دادن آراء فقهاء در این زمینه است که کمتر در پژوهش‌های در این رابطه مورد استفاد قرار گرفته تا از این طریق میزان اهمّیت مقدّسات اسلام را در نظر شرع آشکار نماید.

قداست ستیزی در قوانین کیفری ایران به تناسب هتاکی صورت گرفته در خصوص آنچه از منظر اسلام واجد تقدّس در نظر گرفته می‌شود در قالب عناوین مجرمانه مستقلاً مورد جرم‌انگاری و کیفرگذاری قرار گرفته اند. این واکنش کیفری مقنّن نسبت به توهین به مقدّسات اسلام با در نظر گرفتن حسب مورد مجازات اعدام یا حبس از یک تا پنج سال علیه موهنان به مقدّسات این دین و یا حتّی مجازات شلاق در مواردی همراه است. تعیین مجازات سه گانه نسبت به بزه توهین به مقدّسات اسلام مستوجب آن می‌شود که سیاست جنایی فقه و نظام تقنینی ایران در سه فصل مجزاً بررسی گردد. بنابراین، تحلیل فقهی بر آنچه که در دیدگاه نظام تقنینی ایران تحت عنوان توهین به مقدّسات اسلام در نظر گرفته شده است در پژوهش حاضر مطمح نظر واقع گردیده است تا نگاه حوزه فقاہت بر این قبیل جرایم از حیث مراجعه به یکی از منابع قانون‌گذاری ایران تبیین شود. نگرش تطبیقی فقه و حقوق موضوعه در این پژوهش این امکان را فراهم می‌آورد که فرصت مقایسه‌ای میان آراء فقهای امامیه در زمینه توهین به مقدّسات اسلام پدید آید و مآلاً، میزان مطابقت قوانین کیفری ماهوی با منابع فقهی و دیدگاه منتخب فقهی از ناحیه مقنّن را مشخص سازد.



مجازات حدی سلب حیات

مقنن در ماده (۵۱۳) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با بیان اینکه اگر شخص موهن به مقدسات اسلام مشمول حکم سابّ النبی باشد، مستحقّ اعدام می‌گردد در واقع به تفکیک مجازات‌های این قبیل هتاک‌ها به تناسب موضوع مورد اهانت و رفتار اهانت آمیز اشاره دارد. به سخن دیگر، در فرضی که هتک حرمت بنا به ماده (۲۶۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به وجود مقدّس پیامبر (ص) یا هر یک از انبیاء (س) به وسیله دشنام یا قذف واقع گردد، محکومیت اعدام در انتظار مرتکب این سبّ قرار می‌گیرد. در تبصره همین ماده در مقام ترفیع، قذف و دشنام ائمه (ع) و حضرت زهراء (س) نیز در حکم سبّ نبی قرار گرفته است. این در حالی است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، باب جداگانه‌ای در کتاب حدود به این موضوع اختصاص داده نشده بود. بنابراین سبّ به عنوان یکی از صور خاصّ توهین تحقّق پیدا می‌کند و سایر صور اهانت به این ذوات مقدّس همانند استهزاء مشمول حکم همان ماده ۵۱۳ قانون ماز الذکر قرار می‌گیرد.

قتل نفس شخص دشنام دهنده و قاذف به ساحت مقدّس پیامبر (ص) و ائمه (ع) در تمام منابع فقهی تصریح گردیده است (الحلی، ۱۴۰۹ق.۱)، ولی به جهت عظمت جایگاه انبیاء (ع) و شناخته شدن آن به عنوان یک ضرورت در دین اسلام، ایشان هم به حکم این مسئله الحاق گشته‌اند و دگر باره، مادر و دختر پیامبر (ص) نیز ملحق به همین حکم گشته‌اند، هر چند که برخی از فقهاء مورد اخیر را تنها مختصّ به وجود مقدّس حضرت زهراء (س) عنوان کرده‌اند (العاملی الجعی، ۱۳۹۸ق. و علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق.). لذا ضرورت و قطعیت تأمین حیثیت معنوی این ذوات مقدّسه در دیدگاه اسلام از چنان درجه‌ای برخوردار گردیده است که شدیدترین واکنش کیفری در برابر هتک حرمت خاصّ نسبت به این بزرگواران را در بر داشته است.

مجازات تعزیری حبس

مستنبط از آیه (۳۰) سوره حج، حرمت اهانت به مقدّسات اسلام در قالب یک قاعده فقهی در آثار فقهاء مقرر گردیده است و در کبرویت تشریح برخی احکام مثل تحریم بیع مصحف قرآن کریم به کافر نمود پیدا کرده است و همچنین، ادعای اجماع بر آن شده است (الموسوی البجنوردی، ۱۴۳۰ق.). به این ترتیب، هر نوع استخفاف به حرمت و اعلام دین خداوند حرام شمرده شده (النراقی، ۱۲۴۵ق.) و به جدّ بر حرمت هر آنچه موجب وهن مقدّسات شود، تأکید گردیده



است (الحسینی، ۱۴۱۷ق.). بر این اساس، ارتکاب رفتاری که عرفاً (الحسینی، ۱۴۱۷ق.) اهانت به مقدّسات اسلام به شمار آید و نتوان آن را مشمول حکم دشنام یا قذف نسبت به شأن و منزلت پیامبر (ص)، انبیاء (س)، معصومین (ع) و حضرت زهراء (س) محسوب کرد، مستند به ماده (۵۱۳) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۷۵ استحقاق حبس یک تا پنج سال را به مرتکب این جرم را وجیه می نماید. در حالی که نمونه چنین بزه انگاری در قانون مجازات عمومی مصوّب ۱۳۰۴ و قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۶۲ موجود نبود (زراعت، ۱۳۸۸) هر چند که اهانت به این دسته از مقدّسات به وسیله مطبوعات در لایحه قانونی مطبوعات مصوّب ۱۳۵۸ شورای انقلاب و قانون مطبوعات مصوّب ۱۳۶۴ مورد جرم انگاری قرار گرفته بود.

لازم به ذکر است که هر مسئله ای که از ضروریات قطعی دین اسلام قرار گیرد، اهانت به آن حرام (النجفی، ۱۳۶۲) و جرم تلقی می گردد. ولی دیگر مسائلی که ممکن است از مقدّسات اسلام به حساب آید ولی ضروری دین نباشد، حرام تلقی می گردند ولی جرم نیستند؛ چه اینکه ذکر مصادیقی از مقدّسات دین در ماده فوق الإشعار رهنمون این مطلب است که منظور از مقدّسات، مواردی است که ناظر به اصل دین مانند حرمت کعبه باشد و دیگر مسائلی که ارتباطی با ضروری دین پیدا نمی کند مثل طواف کعبه مشمول این ماده قانونی نیست. قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی ... مصوّب ۴ دی ۱۳۷۹ مشعر بر این است که علاوه بر این که ممکن است به کاربرد لفظی، صراحت یا ظهور در توهین داشته باشد، حرکات و اعمال نیز (کاشف الغطاء، بی تا) حسب اوضاع و احوال زمانی و مکانی هم می تواند موجب تخفیف و تحقیر به حساب آید؛ از این رو، ترسیم کاریکاتور یا نمایش تئاتری آمیخته با وهن به مقدّسات اسلام، امکان شمولیت آن در قانون کیفردهنده را دارد.

مجازات شلاق تعزیری

حمایت قانونی از قداست پیامبر (ص)، انبیاء (س)، معصومین (ع) و حضرت زهراء (س) در نظر قانون گذار تا بدان جایی است که بر خلاف قواعد حقوق جزای عمومی در تبصره ماده (۲۶۳) قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ این سان مقرر می دارد که: «هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است». در حالی که در مفاد خود ماده (۲۶۳) همان قانون، اراده مقنن بر این است که مطابق مواد (۱۴۴)، (۱۵۱)، (۱۵۴) و (۲۱۷) این قانون، فقدان قصد مرتکب مانع انتساب جرم سب بر اوست. لذا استفاد از تبصره فوق الذکر، عدم سوء نیت خاص مرتکب در حالت مستی و یا نقل قول سب دیگری مستوجب استحقاق وی بر شلاق تعزیری تا ۷۴



ضربه می‌گردد که در نوع خود، حکم به خصوصی تلقی می‌گردد که تنها در مورد حدّ سبّ نبی وضع گردیده است و بر اهمّیت حفظ و صیانت از حیثیت مقدّسات اسلام دلالت دارد. البتّه در طرف دیگر این حکم، مجازات اعدام سبّ در وضعیّت غضب آلود مردود اعلان گردیده (النجفی، ۱۳۶۲) و به تعزیر وی به شلّاق اکتفاء شده است.

بحث و نتیجه گیری

تطبیق و مقارنه در حقوق موضوعه ایران در مادّین ۵۱۳ و ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی بر مبنای نظریات فقهی راجع به کیفر موهنان به مقدّسات اسلام به وضوح مبین واکنش شدید مقنّن در قبال این نوع مجرمین است. در واقع، ضرورت حفظ قداست و حیثیت برخی اشخاص و موضوعات از منظر قانون‌گذار به گونه‌ای است که شدیدترین نوع مجازات یعنی اعدام را در بر داشته است (فیض، ۱۳۹۰). در کنار این مجازات، حبس و شلّاق تعزیری نیز سایر رفتارهای توهین‌آمیز به مقدّسات اسلام را فراگرفته است و در این راستا، فقه هم به عنوان مهمّترین منبع قانون با اصطیاد قاعده تحریم اهانت به مقدّسات بر این امر تاکید دارد. بررسی سوابق قانون‌گذاری در کنار تحلیل مجازات‌های پیش‌بینی شده در این رابطه به تفکیک یادشده حکایت از اهتمام ویژه مقنّن به منظور پاسداری از تقدّس موضوعات و اشخاصی دارد در قیاس با دیگر موارد می‌کند.

بررسی سیاست جنائی تقنینی ایران در رابطه با بزه اهانت به مقدّسات اسلام به وضوح مبین حمایت قانونی از حرمت مقدّسات دین اسلام است. مقنّن به موجب وضع مقرّرات در خور توجّهی بر پایه منشورات فقهی، احکامی را در خصوص مجازات هاتکین به مقدّسات اسلام مقرر نموده که آشکارا، جایگاه بلندمرتبه ضروریات مقدّس را می‌نمایاند. تعیین کیفر-های شدیدی چون سلب حیات و حبس درجه ۵ نسبت به اشخاصی که به نوعی مرتکب هتک حرمت مقدّسات اسلام می‌شوند بر مبنای قاعده‌ای است که در متون فقهی از آن در قالب تحریم توهین به مقدّسات اسلام یاد گردیده است (الموسوی‌الجنوردی، ۱۴۳۰ق.) که مشخصاً ارتکاب هر گونه رفتار موهن نسبت به مقدّسات قطعی اسلام را حرام اعلام نموده و به فراخور رفتار متناسبه، فاعل مادّی آن را مستحقّ اعدام، حبس یا شلّاق تعزیری عنوان می‌کند. نظام قانون‌گذاری ایران علی‌الخصوص در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که حیثیت مقدّسات اسلامی از چنان اهمّیتی برخوردار است که مقنّن را به واکنش کیفری در برابر رفتار قداست ستیز از آن‌ها برانگیخته است؛ نمود این دیدگاه بیشتر از دیگر موارد در حکم سبّ در حالت مستی و نقل آن از دیگری مشهود است که با وجود خدشه بر عنصر معنوی مرتکب در این موارد (اردبیلی، ۱۳۹۵) به موجب تبصره مادّه (۲۶۳) قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ واجد تعزیر انگاشته شده تا به این



ترتیب از رفتار موجد اهانت به ذوات مقدسی که دشنام یا قذف به ایشان، سبّ پیامبر (ص) محسوب می گردد و لو بدون سوء نیت خاصّ در تعرّض به شخصیت عظیم این بزرگواران در جامعه جلوگیری به عمل آید.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۵، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات میزان
۲. الحسینی، السید میر عبدالفتاح، ۱۴۱۷ قمری، عناوین الفقهیه، ج ۱، قم، النشر الإسلامی
۳. الحلّی، جعفر بن الحسن، ۱۴۰۹ قمری، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۴، تهران، استقلال
۴. العاملی الجبعی، زین الدین بن علی، ۱۳۹۸ قمری، الروضه البهیّه فی شرح اللمعه الدمشقیّه، ج ۹، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
۵. زراعت، عباس، ۱۳۸۸، شرح قانون مجازات اسلامی: بخش تعزیرات-۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس
۶. علم الهدی، سید مرتضی، ۱۴۱۵ قمری، الإنتصار فی انفرادات الإمامیه، قم، النشر الإسلامی
۷. فیض، علیرضا، ۱۳۹۰، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ هشتم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات
۸. کاشف الغطاء، حسن، بی تا، أنوار الفقاهه (کتاب الطهاره)، نجف، مکتبه کاشف الغطا العامه
۹. لازرژ، کریستین، ۱۳۸۹، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، بنیاد حقوقی میزان
۱۰. الموسوی البجنوردی، السید حسن، ۱۴۳۰ قمری، القواعد الفقهیه، ج ۵، قم، الهادی
۱۱. النجفی، محمد حسن، ۱۳۶۲، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳ و ۴۱، بیروت، دار إحياء التراث العربی
۱۲. النراقی، احمد، ۱۲۴۵ قمری، عوائد الايام، قم، انتشارات بصیرتی